

## ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان؛ چالش‌ها و راهکارها

حنیف فرزانه؛ رئیس مؤسسه AELSO و استاد دانشگاه

### مقدمه

دانشگاه‌ها کانون و مراکز اصلی تولید دانش و شکل‌گیری ایده‌ها هستند. در طول زمان، هدف، نقش، چشم‌انداز و مأموریت آن‌ها در شرایط و محیط‌های مختلف تغییر کرده و تحولات چشمگیری را تجربه کرده‌اند. این تغییرات که اغلب به‌عنوان پیشرفت نسل‌های دانشگاهی یاد می‌شوند، تلاشی برای حفظ ارزش و جایگاه آن‌ها در جامعه است.

دانشگاه‌ها به‌طور کلی به سه نسل تقسیم می‌شوند. نسل اول شامل دانشگاه‌های آموزش‌محور است که نقش اصلی آن‌ها آموزش و تربیت نیروی انسانی است. نسل دوم، دانشگاه‌های پژوهش‌محور را شامل می‌شود که بر پیشرفت علمی از طریق پژوهش متمرکز هستند. نسل سوم دانشگاه‌های کارآفرین هستند که هدف اصلی آن‌ها تقویت مهارت‌های کارآفرینی و نوآوری است.

در افغانستان، دانشگاه‌ها هنوز نتوانسته‌اند به‌طور کامل از نسل اول و دوم عبور کنند و حتی در این نسل‌ها نیز با چالش‌های قابل‌توجهی روبه‌رو هستند. با این حال، تعداد محدودی از دانشگاه‌های کشور توانسته‌اند در این نسل‌ها عملکرد درخشانی داشته باشند. اما با توجه به واقعیت‌های دنیای امروز و نیازهای رو به رشد جامعه، روشن است که ماندن در نسل‌های اول و دوم دیگر ممکن نیست. دانشگاه‌های افغانستان باید گام‌های خود را به‌سوی نسل سوم بردارند.

برخی دانشگاه‌ها قبلاً اقدامات ابتدایی برای تبدیل‌شدن به دانشگاه‌های کارآفرین را آغاز کرده‌اند که نشان‌دهنده پیشرفت امیدوارکننده‌ای است. اما این تحول نیازمند برنامه‌ریزی هدفمند، شفاف و سازمان‌یافته است. با در نظر گرفتن کمبودهای موجود در دانشگاه‌های نسل اول و دوم و شرایط اقتصادی و اجتماعی شکننده افغانستان، ضروری است که به‌طور راهبردی برای این تحول آماده شویم. ایجاد دانشگاه‌های کارآفرین می‌تواند گامی مهم به سوی رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و آینده‌ای روشن‌تر برای مردم افغانستان باشد.

## کارآفرینی چیست؟

کارآفرینی کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری مناسب برای خلق ثروت شخصی و ارزش اجتماعی است. کارآفرینی، فرایندی از توسعه و آوردن یک نگاه جدید به زندگی است؛ نگاهی که ممکن است یک ایده خلاقانه، یک فرصت ساده و روش‌های برای انجام کاری باشد (حسینی نیا و موسوی، 1397).

در دنیای اقتصاد، کارآفرینی مرتبط با نیروی کار، منابع و سرمایه می‌تواند سودآوری ایجاد کند. چشم‌انداز کارآفرینی با کشف مشکلات و ریسک‌پذیری تعریف می‌شود. کارآفرینی یک بخش ضروری از توانایی یک کشور برای موفقیت در یک بازار جهانی همیشه در حال تغییر و رقابتی است (فکور، 1388).

به عقیده «ارتور کول» کارآفرینی عبارت است از فعالیت هدفمند که شامل یک سری تصمیمات منسجم فرد یا گروهی از افراد برای ایجاد، توسعه یا حفظ واحد اقتصادی است. «روبرت نشتات» کارآفرینی را قبول مخاطره، تعقیب فرصت‌ها، ارضای نیازها از طریق نوآوری و تأسیس یک کسب‌وکار می‌داند. از نظر «پیتر دراکر» کارآفرینی یک رفتار می‌باشد و در واقع به‌کار بردن مفاهیم و تکنیک‌های مدیریتی، استاندارد سازی محصول، بنانهادن کار بر پایه‌ی آموزش می‌باشد.

کارآفرینی به‌عنوان محرک رشد و شکوفایی اقتصادی، برای همه‌ی ما حیاتی است. کارآفرینی سایر عامل‌های تولید را در ایجاد ارزش، تحریک، هدایت و سازمان‌دهی می‌کند. کارآفرینی با توانایی در تولید بیشتر، رشد اقتصادی را تسریع می‌بخشد؛ ولی همچنین با ایجاد توانایی در تولید بهتر، توسعه اقتصادی را تشویق می‌کند (باتلر، 1401).

کارآفرینی زمینه‌ساز تغییرات اجتماعی است. کارآفرینی به حمایت از عدالت اجتماعی و توسعه پایدار کمک نموده و کیفیت زندگی افراد و جوامع را بهبود می‌بخشد. کارآفرینی به توانمندسازی شخصی افراد، ایجاد اعتماد به نفس، تقویت ریسک‌پذیری در وجود افراد، تقویت استقامت و مهارت‌های رهبری شخصی کمک می‌کند. کارآفرینی در ایجاد محصولات و خدمات مورد نیاز جامعه نقش کلیدی ایفا می‌نماید و برای آن ارزش و سود به ارمغان می‌آورد چون کارآفرینی می‌تواند نیازهای اساسی جامعه را مرفوع نموده، چالش‌ها را حل و به توسعه پایدار جامعه کمک نماید.

## دانشگاه کارآفرین چه نوع دانشگاه است؟

دانشگاه کارآفرین دانشگاهی است که در کنار پرداختن به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به اقداماتی از جمله خلاقیت و نوآوری، تشخیص و ایجاد فرصت، توسعه فرهنگ کار تیمی، تلاش در جهت کسب استقلال مالی و غیره می‌پردازد. این دانشگاه‌ها با تعامل و همکاری با صنعت، جامعه و دولت به ایجاد کسب‌وکارهای نو، تبدیل دانش به محصول و توسعه اقتصادی ملی و محلی اهتمام می‌ورزند (گودرزی، 1400).

دانشگاه کارآفرین مکانی است که مشاغل جدید در آن خلق می‌شوند. این مراکز از افراد کارآفرین حمایت می‌کند، این حمایت شامل حمایت‌های آموزشی، مالی و بازاریابی است. در نتیجه کارآفرینان امکان دسترسی به کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و منابع را پیدا می‌کنند (غدیری، 1385).

در این دانشگاه‌ها، گردهم آوردن ذخایر مالی اهمیت ویژه‌ای دارد و خصوصاً به کمک‌های دولتی نیز نیازمنداند. انجام پروژه‌های تجاری و اقتصادی همراه با فن‌آوری روز کم‌هزینه است و استفاده بهینه از ذخایر مالی نیز از ویژگی‌های شاخص کارآفرینان می‌باشد. نکته‌ی مهم دیگر وجود تقاضا برای فعالیت و سرویس‌دهی در بازار است. مشاغلی که از این دانشگاه‌ها به‌رمند می‌شوند، بدون شک در توسعه‌ی فن‌آوری‌های جدید پیش رو خواهند بود (انتظاری، 1383).

دانشگاه کارآفرین باید به بازار دسترسی داشته و از تجارب افراد صاحب تجربه در بازار کمال بهره را ببرد، همچنین وجود افراد توانا و شایسته، علاقه‌مند و خلاق در چنین مجموعه‌های ضروری است. در این مراکز، ارتباطات افراد و گروه‌ها به صورت باز و افقی است که معمولاً غیررسمی نیز می‌باشد؛ وجود جلسات برای تبادل اطلاعات و فعالیت‌ها ضروری است و از ایده‌های جدید و خلاق استقبال می‌شود. در این دانشگاه‌ها نیروی انسانی به‌ویژه دانشجویان با ارزش‌ترین منبع به حساب می‌آیند و از ریسک‌پذیری و نوآوری آن‌ها نیز حمایت صورت می‌گیرد (شفیع آبادی، 1390).

یونسکو در چشم‌انداز جهانی آموزش عالی برای قرن بیست‌ویکم، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه توصیف کرده است: «جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی در آموزش عالی به منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و جهت تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد». این دانشگاه‌ها به دانشگاه نسل سوم معروف هستند که تکامل‌یافته‌ی دانشگاه‌های نسل اول (دانشگاه‌های سنتی) و نسل دوم (دانشگاه‌های مدرن) می‌باشند.

مطابق با این تعریف، دانشگاه کارآفرین علاوه بر کارکردهای تدریس و تحقیق، وظیفه خطیر دیگری هم بر عهده دارد. یعنی تربیت افراد و بنگاه‌هایی که ایجادکننده‌ی کار می‌باشند. فارغان دانشگاه کارآفرین فردی است؛ (حقیقی یا حقوقی) که در محیط کارش نوآوری می‌کند و دانش را در کنار پژوهش‌های کاربردی به خدمت گرفته و با نوآوری، کار می‌آفریند (نیازی، 1386).

### ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان

در عصر حاضر، تحصیلات عالی دستخوش تغییرات بنیادینی شده و توجه به کارآفرینی یکی از دغدغه‌های مهم دانشگاه‌ها در سراسر دنیا به شمار می‌آید. در حقیقت نقش دانشگاه‌ها با توجه به مسوولیت‌های جدید در قبال جامعه دگرگون شده است و نظام تحصیلات عالی در جهان به‌منظور همسویی هرچه بیشتر با فرآیند توسعه اقتصادی بومی، منطقه‌ی و بین‌المللی، به تغییر نقش سنتی خود که صرفاً تولید دانش می‌باشد به‌سوی دانشگاه‌های کارآفرین که افزون بر تولید دانش و خلق ایده‌ها، آن‌ها را به عمل هم تبدیل می‌کنند، حرکت می‌کند.

یکی از ضرورت‌های ایجاد دانشگاه کارآفرین ایجاد سرمایه است. کارآفرینان برای عملی ساختن ایده‌های خود با مشکل مواجه‌اند. از یکسو، سرمایه‌داران بزرگ فرصت شنیدن ایده‌های کارآفرینان و پرداختن به کارهای کوچک را ندارند و از سوی دیگر سرمایه‌های خود را صرف پروژه‌های کلان می‌نمایند در نتیجه

وجود دانشگاه که نقش مرکز پشتیبانی از کارآفرینی را به‌عنوان پل ارتباطی بین کارآفرینان و سرمایه‌داران ایجاد می‌کند، ضروری است (اکبری، 1380).

ظهور دانشگاه کارآفرین در واقع پاسخی به اهمیت روزافزون دانش در نظام ملی و عرصه‌ی نوآوری و شناخت جدید از دانشگاه است، یعنی نهادی که عامل انتقال دانش و فناوری و منبع اختراعات خلاقانه به شمار می‌رود و از لحاظ اقتصادی به صرفه است (فکور، 1388).

افغانستان از جمله کشورهای درجه سوم جهان است که فقر دامن خویش را در این سرزمین پهن کرده است. نظر به گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، دامنه‌ی فقر در افغانستان نسبت به هر زمان دیگر وسیع‌تر گردیده و بالای زندگی شهروندان و اقتصاد کشور سایه افکنده است.

بانک جهانی در آخرین گزارش سال ۲۰۲۴ میلادی از آنچه بحران جدی امنیت غذایی در افغانستان عنوان کرد، هشدار داد. این بانک آمار داده است که حدود (۱۱.۶) یازده اعشاریه شش میلیون نفر از شهروندان افغانستان که ۲۵ درصد جمعیت این کشور را می‌سازند، با ناامنی جدی غذایی روبه‌رو هستند.<sup>1</sup>

گزارش سالانه مشترک شاخص جهانی فقر چند بعدی (MPI) و برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) نیز نشان می‌دهد که در جریان سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ میلادی، دو سوم جمعیت افغانستان در فقر زندگی می‌کرد. براساس این گزارش، در این دو سال ۶۴.۹ درصد شهروندان کشور فقیر بودند.<sup>2</sup>

به همین شکل سازمان‌های بین‌المللی دیگری مانند دفتر هماهنگی کمک‌های بشردوستانه ملل متحد (اوپا) و برنامه جهانی غذا (WFP) نیز در گزارش‌های مختلف خود سطح فقر را در افغانستان تا 97 درصد گزارش داده‌اند. همچنان در تازه‌ترین مورد دانشگاه فنی لارنس در امریکا با راه اندازی یک نظرسنجی دریافتی که پس از خروج امریکا از افغانستان، تقریباً 90 درصد افغان‌ها با گرسنگی مواجه‌اند.

با توجه به معضل فقر حاد، گراف بلند بی‌کاری، رشد اقتصادی ضعیف به تناسب تولید ناخالص داخلی، تغییرات اقلیمی، نبود زیربنای‌های اقتصادی، سطح بلند بی‌سوادی، نابرابری‌های اجتماعی، کمبود نیروی انسانی متخصص، تورم اقتصادی، خشک‌سالی، محدودیت‌های دسترسی به آموزش و غیره چالش‌های اقتصادی و اجتماعی دیگر، نیاز ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان را نسبت به هر زمان دیگر بیشتر می‌کند، زیرا که دانشگاه کارآفرین درکنار توجه به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی به فعالیت‌های مهمتر دیگری همچون خلاقیت و نوآوری، تشخیص و ایجاد فرصت و گسترش و تقویت فرهنگ کار تیمی نیز می‌پردازد. این دانشگاه‌ها در یک برنامه‌ریزی مبتنی بر نتیجه باب همکاری و تعامل را در مثلث (دولت، جامعه، صنعت) جهت ایجاد کسب‌وکارهای نو، تبدیل دانش به محصول، توسعه اقتصادی محلی و ملی، می‌گشاید که این امر در واقع در حوزه اقتصادی و اجتماعی تاثیرگذار می‌باشد.

با توجه به شرایط جهانی، اقتصاد ورشکسته‌ی افغانستان نیاز به تحول دارد. این تحول باید براساس یک برنامه‌ریزی دقیق و بنیادی صورت گیرد و منابع جدید درآمدزایی با حرکت به سوی توسعه فن‌آوری‌ها، صادرات محصولات و خدمات جدید جستجو گردد. یکی از فعالیت‌های اساسی در این زمینه، ایجاد

<sup>1</sup> <https://tolonews.com/index.php/fa/business-192405>

<sup>2</sup> <https://8am.media/fa/global-poverty-index-report-two-thirds-of-afghans-were-poor-in-the-last-two-years/>

دانشگاه‌های کارآفرین است، چون این دانشگاه در امر بازسازی فعالیت‌های اقتصادی، ایجاد تحول، رونق‌بخشی تجارت، جلب سرمایه، نوآوری و ایجاد محیط رقابتی و درآمدزایی نقش سازنده دارد.

با توجه به خروجی دانشگاه‌ها در افغانستان، این دانشگاه‌ها طی دو دهه اخیر نتوانسته‌اند، نیروی ماهر کار را برای بازار کار افغانستان تربیت و ارایه نمایند، که نهادهای دولتی و خصوصی به دلیل عدم نیروی ماهر کار در افغانستان، صدها کارگر خارجی را به‌ویژه در بخش فنی و تخریکی با معاش بلند استخدام نمودند.

به اساس گزارش وزارت معارف در سال 1395 حدود 30 الی 50 هزار کارگر فنی و حرفه‌ای خارجی در افغانستان مصروف کار بودند. (3). این وضعیت نشان می‌دهد که دانشگاه‌های نسل اول و دوم با وجود تلاش‌ها نتوانسته‌اند، نیازمندی بازار کار را مرفوع سازند. برای پرکردن این خلای بزرگ اقدام به ایجاد دانشگاه کارآفرین یک ضرورت اساسی در کشور است تا از یک‌طرف نیازهای اساسی جامعه و بازار کار شناسایی گردد و از سوی دیگر خروجی این دانشگاه‌ها با توانایی و مهارت‌های خود جاگزین نیروی کار خارجی شود و به این ترتیب از انتقال سرمایه به خارج از کشور جلوگیری بعمل آید.

از نیازهای مهم دیگر برای ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان این است که در این دانشگاه نیروی انسانی متخصص و ماهر با روحیه کارآفرینی پرورش یابد تا از یک‌طرف معضل بیکاری کاهش یابد، از سوی دیگر این نیرو در خدمت توسعه جامعه قرار بگیرند و از جانب دیگر از این نیرو برای ایجاد و تقویت زیرساخت‌های بنیادی به‌ویژه در عرصه اقتصادی، تکنالوژی، صنعتی و حرفه‌ای استفاده لازم و به موقع صورت گیرد.

دانشگاه کارآفرین در مورد نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه نسبت به دانشگاه سنتی پاسخ‌گوتر و موثرتر است. فارغان دانشگاه‌ها در بازار کار منوط به داشتن توانایی‌ها و مهارت‌های است که بخشی از آن در طی دوران تحصیل باید بدست آید که دانشگاه کارآفرین مهم‌ترین مکان برای تحقق این امر است. دانشگاه نسل اول و دوم در خیلی موارد نمی‌تواند برای بازار کار افغانستان مفید باشد چون بازار کار شرایط امروز متفاوت و پر از تقاضا است و این دانشگاه کارآفرین است که می‌تواند به تقاضای بازار کار پاسخگو باشد، زیرا که در دانشگاه کارآفرین مهارت‌های شغلی رشته تحصیلی موردنظر و مهارت‌های مدیریتی، بهره‌گیری از فرصت‌ها و نوآوری به دانشجویان آموزش داده می‌شود، واقعیت‌ها و الزامات بازار کار به آنان معرفی می‌شود، به‌سوی شناسایی نیازهای اساسی جامعه سوق داده می‌شوند، روحیه ریسک‌پذیری و رقابت در وجود آنان تقویت می‌گردد و در کل روحیه کارآفرینی در میان دانشجویان توسعه می‌یابد.

افغانستان از جمله کشورهای است که دارای منابع طبیعی سرشار می‌باشد که می‌توان از آن به عنوان سرمایه‌ی خوابیده یاد کرد. به دلیل نبود نیروی انسانی متخصص و مسلکی در این عرصه تاهنوز افغانستان قادر نشده است معادن خود را به شکل معیاری استخراج و از عواید آن به توسعه و تقویت اقتصاد استفاده نماید. درکنار سایر عوامل دیگر، یکی از مهم‌ترین عاملی که افغانستان موفق به این کار نشده است، عدم نیروی انسانی مسلکی و متخصص در این زمینه می‌باشد.

بهره‌گیری نوآورانه و مسلکی از معادن منجر به رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی، اشتغال‌زایی، کاهش فقر و توسعه پایدار می‌شود. استفاده از فناوری‌های نوین و سیستم‌های پیشرفت معدن‌کاری می‌تواند آسیب‌های محیط زیستی را کاهش داده و بهره‌وری را افزایش دهد.

این بهره‌گیری مسلکی و نوآورانه زمانی ممکن خواهد بود که برای پرورش نیروی انسانی مسلکی در رشته استخراج معادن برنامه‌ریزی صورت گیرد که مهم‌ترین برنامه‌ریزی در این عرصه ایجاد دانشگاه کارآفرین است، زیرا که دانشگاه کارآفرین تمامی مراحل معدن از اکتشاف گرفته تا استخراج و از ذوب تا پالایش همه را به شکل حرفه‌ای آموزش می‌دهد و این نیرو را برای بازار کار در بخش معادن در جامعه آماده می‌سازد.

افغانستان به‌عنوان کشور زراعتی در منطقه و جهان شناخته می‌شود. به گفته‌ی بانک جهانی، سکتور زراعت در افغانستان به گونه سنتی یکی از شاخص‌های بالقوه اقتصادی محسوب گردیده و یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عامل رشد اقتصادی در این کشور بشمار می‌رود. حدود ۷۰ درصد افغان‌ها در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و بیشتر در مزارع زراعتی مشغول کار اند و ۶۱ درصد خانوارها درآمدشان را از سکتور زراعت بدست می‌آورند.<sup>3</sup>

کشاورزی مدن در جهان امروز وسیله‌ای مهمی برای تولید بیشتر محصولات غذایی است. اما بهره‌وری از این روش در افغانستان با چالش‌های بزرگی مواجه است. چون کشاورزی مدرن در گام نخست به دانش و تکنیک‌های نوین، مهارت‌های حرفه‌ای و بهره‌گیری از تکنالوژی را نیاز دارد که بخش زراعت یا زارعین در افغانستان فاقد دانش و مهارت‌های حرفه‌ای در این زمینه هستند و به همین دلیل سکتور زراعت در افغانستان یک سکتور سنتی است.

با توجه به این مسئله، کارآفرینی و ایجاد اشتغال در حوزه کشاورزی، به‌خصوص در کشورهایی که مانند افغانستان دارای منابع زیادی در زمینه کشاورزی هستند، می‌تواند یکی از مهم‌ترین مبادلات اقتصادی باشد. در نهایت، برای موفقیت در حوزه کشاورزی به دانش فنی و عملی قوی نیاز است. بنابراین، ایجاد دانشگاه کارآفرین گامی است به سوی موفقیت در حوزه کارآفرینی کشاورزی و کسب دانش فنی و عملی برای رفتن به سوی کشاورزی مدرن.

افغانستان با داشتن جاذبه‌های نادر طبیعی، تاریخی و فرهنگی، یکی از کشورهای غنی و زیبای جغرافیایی، تاریخی و تمدنی در سطح منطقه و جهان است که همواره مورد توجه گردشگران جهانی قرار گرفته است. در یک تعداد از کشورها گردشگری بخش بزرگ از اقتصاد است و تعدادی از کشورها با راه‌اندازی کارآفرینی در حوزه گردشگری عواید هنگفتی را بدست می‌آورند.

کارآفرینی گردشگری متمایز است، زیرا پتانسیل‌های بکر را شناسایی می‌کند و از آخرین روندها استفاده می‌نماید. کارآفرینان موفق بر نوآوری، ارائه خدمات منحصر به فرد، استفاده از فن‌آوری جدید و ایجاد تجربیاتی که بازدیدکنندگان همیشه به یاد دارند، تمرکز می‌کنند. آن‌ها از روندهایی مانند غذای مزرعه به میز و فعالیت‌های دوستدار محیط زیست پیروی می‌کنند تا فرهنگ محلی را به گردشگران نشان دهند و

<sup>3</sup> <https://www.worldbank.org/fa/country/afghanistan/publication/unlocking-potential-of-agriculture-for-afghanistan-growth>

شیوه‌های پایدار را تشویق کنند که بدون شک کارآفرینی گردشگری زمانی متمایز خواهد شد که کارآفرینان در این حوزه با دانش نوین، مهارت‌های حرفه‌ای و تکنیک‌های لازم آراسته باشند.

افغانستان در بخش گردشگری مانند سایر بخش‌های دیگر دارای مزایا، امکانات و فرصت‌های طلایی است اما به دلایل متعدد به‌ویژه نبود راهکارهای علمی و عملی و عدم نیروی انسانی متخصص نتوانسته است از این فرصت‌ها به نفع اقتصاد و توسعه جامعه بهره‌برداری نماید.

در حوزه گردشگری کارآفرینان باید با ویژگی‌های همچون خلاقیت و نوآوری، فرصت‌شناسی، اشتیاق و تعهد، رهبری و تیم‌سازی، مسوولیت اجتماعی و زیست‌محیطی، یادگیری و انطباق با روندهای بازار، شبکه‌سازی، مشتری‌مداری، ریسک و انعطاف‌پذیری، چشم‌انداز و تفکر استراتژیک و دانش نوین آراسته باشند که آراستگی به این ویژگی‌ها نیاز به کسب آموزش‌های مسلکی در این حوزه دارد.

بنابراین، دانشگاه کارآفرین مکانی است که کارآفرینان را در حوزه کارآفرینی گردشگری با مهارت‌های گوناگون و طرز تفکر متفاوت آشنا می‌سازد، روحیه ریسک‌پذیری و نوآوری را در آنان تقویت می‌بخشد، روش‌های متنوعی همچون تحقیق و بررسی بازار و فرصت‌های بالقوه را برای آنان آموزش می‌دهد، کمبودها و ضعف‌های مناطق مورد هدف را برای شان شناسایی می‌نماید و آن‌ها را به سوی کشف و ایجاد ایده‌های جدید و عمل‌کرد متفاوت رهنمایی می‌کند.

با توجه به جاذبه‌های نادر گردشگری در افغانستان و نقش گردشگری در اقتصاد، ضرورت ایجاد دانشگاه کارآفرین نیاز مبرم بوده تا در این نوع دانشگاه صنعت گردشگری و کارآفرینی در این حوزه به شکل مسلکی آموزش داده شود تا خروجی آن نیروی انسانی با دانش و متخصص باشد که از آن برای ایجاد یک تحول شگرف در صنعت گردشگری در افغانستان استفاده بهینه صورت گیرد.

بنابراین، تغییر و تحولات دنیای کنونی و رقابت‌های اقتصادی، کارآفرینان را در خط مقدم توسعه فن‌آوری و اقتصادی قرار داده است. از آن‌جا که دانش به گونه‌ای فزاینده جزء مهمی از نوآوری محسوب می‌شود، دانشگاه‌ها در مقام تولیدکننده دانش، نهاد انتشار آن نقش وسیع‌تری را در نوآوری صنعتی بازی می‌کنند که در این میان، نقش دانشگاه کارآفرین برجسته و سازنده می‌باشد.

### چالش‌ها

با توجه به اهمیت و نقش دانشگاه کارآفرین در تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه، در برابر رفتن به سوی ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان چالش‌های بزرگ نهفته است. به طور کلی چالش‌های آموزشی و پژوهشی، اقتصادی و مالی، فرهنگی و اجتماعی، ساختاری و تشکیلاتی و همچنان راکد ماندن دانشگاه‌ها در نسل اول و دوم از جمله اساسی‌ترین چالش‌ها در برابر ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان می‌باشد.

درکنار این چالش‌های اساسی، چالش‌های زیرمجموعه‌ای آن مانند عدم ارتباط لازم دانشگاه‌ها با صنعت، توجه صرف به آموزش، نبود آگاهی و شناخت دقیق از مفهوم کارآفرینی در دانشگاه‌ها، نبود زیرساخت‌های لازم برای توسعه کارآفرینی، عدم ایجاد مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها، فقدان مسیرهای شغلی اکادمیک در دانشگاه‌ها، بی‌توجهی به دانشگاه‌ها به‌عنوان یک مشارکت‌کننده مؤثر در اقتصاد، نبود دسترسی به

منابع کافی، ضعیف‌بودن فرهنگ کارآفرینی در جامعه، کمبود کادر مسلکی و متخصص در حوزه کارآفرینی، نبود و ضعیف‌بودن ارتباط میان مراکز پژوهشی، فناوری و صنعتی، نبود ارتباط بین تحصیلات عالی و بخش‌های مختلف جامعه، ضعف سازمانی و مدیریتی در دانشگاه‌ها، عدم پرداختن به مسوولیت‌های اجتماعی از سوی دانشگاه‌ها، نگاه تربیت کارمند پروری، پابند نبودن افراد جامعه به مالکیت فکری، نبود یک سیستم حکومتی درحوزه کارآفرینی، عدم توجه سکتور خصوصی به کارآفرینی، اقتصاد انحصاری و صنعت غیررقابتی و نظام تحصیلی سنتی، از جمله چالش‌های دیگر فرا راه ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان می‌باشد که تاکنون برای حل آن اقدامی ثمربخش صورت نگرفته است.

## راهکارها

هر چالش راه حلی دارد؛ مشروط بر اینکه عوامل موجودیت و بروز چالش‌ها به شکل دقیق آسیب‌شناسی گردد. هرگاه از نتایج برآمده از آسیب‌شناسی چالش‌ها، برای رفع چالش‌ها برنامه‌ریزی همه جانبه صورت گیرد و این برنامه‌ریزی به اساس یک پلان عمل با اراده قاطع عملی گردد، بدون شک نتایج دلخواه بدست خواهد آمد.

با توجه به چالش‌های مذکور در برابر ایجاد دانشگاه کارآفرین در افغانستان، راحل‌های نیز وجود دارد که اگر به آن توجه و پرداخته شود، در قسمت از میان برداشتن و کاهش چالش‌ها موثر خواهد بود.

تغییر بینادی و ساختاری در نظام تحصیلی افغانستان، تدوین قوانین حمایتی و سیاست‌گذاری‌های دولتی، برنامه‌ریزی برای تربیت کادرآموزشی کارآفرینی، ایجاد و گسترش مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها، ترویج و اشاعه فرهنگ کارآفرینی از طریق برگزاری سمینارها، بسترسازی‌های مالی و مشوره‌دهی، ایجاد و تسهیل روابط علمی و صنعتی مربوط به کارآفرینی در سطح داخلی و خارجی، راه‌اندازی رشته‌های کارآفرینی و تعریف ماموریت کارآفرینانه برای دانشگاه‌ها، اصلاح سیستم پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها، معرفی الگوهای موفق کارآفرینی دانشگاهی، توسعه‌ی ارتباطات و شبکه‌سازی با نهادهای مرتبط به کارآفرینی، بازنگری پلان‌های استراتژیک دانشگاه‌ها و تجدید آن مطابق تقاضای بازار و عصر امروز، ایجاد رابطه قوی و معنادار با صنعت، اعمال سیاست‌ها و قوانین تسهیل‌کننده جهت راه‌اندازی کسب‌وکارها، تعامل مستمر با محیط، چشم‌انداز و راهبرد آینده نگر، همبستگی تحقیقاتی با اهداف توسعه صنعتی، تحول رشته‌های دانشگاهی نسبت به روند تحول فن‌آوری و آینده نگری، فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم برای دانشگاه‌ها، ایجاد ارتباط موثر و پویای دانشگاه‌ها با مراکز کارآفرینی، شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران برای معرفی ایده‌های ناب دانشجویان جهت تجاری‌سازی ایده‌ها و در نهایت ایجاد ساختار کارآفرین در دانشگاه و ارتباط پویا با محیط از مهم‌ترین راهکارها برای حرکت به سمت دانشگاه کارآفرین در افغانستان خواهد بود.



## نتیجه‌گیری

دانشگاه، به‌عنوان مرکز آموزش تحصیلات عالی در چرخه‌ی حیات‌ساز انسانی محسوب می‌شود و با توجه به تقاضای زمان و تحولات جهانی با در نظر داشتن شرایط محیطی در هر جامعه، تغییراتی را به همراه داشته است. در نسل‌های امروزی دانشگاه‌ها، افزایش رقابت و بهره‌برداری از آموزه‌ها و دانش در کنار آموزش و تحقیق اهمیت پیدا می‌کند و تلاش در جهت تأمین ارتباط مستمر بین صنعت و دانشگاه‌ها قوت می‌گیرد.

با توجه به اینکه در شرایط حاضر نیاز کشور به دانش‌آموختگانی که دارای مهارت‌های جدید و فنی، ذهن خلاق و نوآور، تفکر انتقادی و روحیه کارآفرینی آراسته باشند، بیش از پیش احساس می‌شود، باید دغدغه اصلی تحصیلات عالی آن باشد که دانش‌آموختگان قادر باشند از دانش کارآمد، فن‌آوری و مهارت‌های حرفه‌ای برخوردار باشند تا اقدام به کارآفرینی نمایند. این مهم زمانی ممکن خواهد شد تا به‌سوی ایجاد دانشگاه کارآفرین حرکت صورت گیرد که حرکت به سوی دانشگاه کارآفرین راه حل اساسی برای مشکلات و موجب بهبود روند توسعه و تحول شگرف در حوزه اقتصادی و اجتماعی کشور می‌باشد.

برای دست یافتن به توسعه محلی، منطقه‌ی و جهانی تقویت و حمایت از دانشگاه‌ها گام سازنده بوده و فراهم نمودن بسترهای مالی و حمایتی برای حرکت به‌سوی دانشگاه کارآفرین، پایه‌های این توسعه را مستحکم و ابعاد آن را گسترش می‌دهد. بنابراین، جهت مقابله با چالش‌های بزرگی همچون فقر و بی‌کاری و تغییرات شگرف اجتماعی و اقتصادی جامعه نیازمند حرکت به سوی کارآفرینی و تربیت نیروی انسانی کارآفرین است که جهت نیل به این هدف، دانشگاه کارآفرین موثرترین وسیله در شرایط کنونی می‌باشد.

در نهایت در عصر حاضر، دانشگاه کارآفرین ساختار پایدار برای محیط آینده است چون این دانشگاه یک بازیگر استراتژیک در بازار بوده و همیشه به دنبال فرصت‌های جدید است که با توجه به وضعیت نامطلوب و شکننده‌ی اقتصادی و اجتماعی افغانستان موجودیت چنین دانشگاه از نقش سازنده در ایجاد تغییرات بنیادی و موثر در سطوح مختلف جامعه برخوردار می‌باشد.

## منابع:

- 1: اکبری، کرامت الله. (1380) نقش نظام آموزشی - پژوهشی در توسعه‌ی کارآفرینی، مجموعه مقالات کارآفرینی و فناوری‌های اطلاعات پیشرفته
- 2: باتلر، ایمون. (1401) مقدمه‌ای بر کارآفرینی، مترجم: عبادی، تقی. ناشر: موسسه مطالعات اقتصادی و حقوقی افغانستان، کابل
- 3: انتظاری، یعقوب. (1383). ظهور دانشگاه کارآفرین و توسعه تعامل علم و صنعت. نشریه علم و آینده، شماره 8
- 4: حسینی‌نیا، غلام محسن. موسوی، سیدشمس الدین. (1397). آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، روش‌ها و چالش‌ها. نامه آموزش عالی، دوره جدید، سال یازدهم
- 5: شفیع آبادی، عبدالله. (1390) دانشگاه کارآفرین و توسعه صنعتی. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال دوم، شماره 5
- 6: فکور، بهمن. (1388)، کارآفرینی دانشگاهی (مفهوم، زمینه‌های پیدایش و نحوه دست‌یابی)، فصلنامه رشد و فناوری
- 7: غدیری، مجتبی. (1385)، دانشگاه کارآفرین، مدیریت دانش و توسعه صنعتی
- 8: گودرزی، مهدی. (1400). ویژگی‌های دانشگاه‌های کارآفرین، نامه آموزش عالی، دانشگاه علامه طباطبایی
- 9: نیازی، محسن. (1386)، دانشگاه کارآفرین، تهران، انتشارات ثامن الحج

## وبسایت‌ها:

- <https://tolonews.com/index.php/fa/business-192405>
- <https://8am.media/fa/global-poverty-index-report-two-thirds-of-afghans-were-poor-in-the-last-two-years/>
- <https://tolonews.com/fa/afghanistan/28047-thousands-of-foreign-nationals-working-in-afghanistan-moe>
- <https://www.worldbank.org/fa/country/afghanistan/publication/unlocking-potential-of-agriculture-for-afghanistan-growth>